

مبانی تکافل اجتماعی در اسلام

srhoseini@rihu.ac.ir

mostafakazemi@rihu.ac.ir

سیدرضا حسینی / استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

مصطفی کاظمی نجف‌آبادی / استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پذیرش: ۹۷/۱/۲۵

دریافت: ۹۶/۹/۲۷

چکیده

«تکافل اجتماعی» راهکار بی‌نظیر اسلامی برای درمان بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی، به‌ویژه فقر و نابرابری است. امروزه با آشکار شدن نواقص راه‌حل‌های بازارمحور و دولت‌محور، این راهکار اهمیت دوچندانی یافته است. بی‌تردید، احیای مجدد این راهکار برای جوامع اسلامی معاصر و بهره‌مندی از مزایای آن، مستلزم بازشناسی صحیح اصول و مبانی و قواعد اساسی عملکرد آن بر اساس منابع اصیل اسلامی و ارائه روزآمد آنهاست. این تحقیق به منظور دستیابی به چنین هدفی، با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، به فحص عمیق و نسبتاً جامع در نصوص آیات و روایات و سیره ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} پرداخته و پس از استخراج، دسته‌بندی و تحلیل نصوص ذی‌ربط، ویژگی‌های مبنایی تکافل معیشتی اسلام را در ابعاد اعتقادی، اخلاقی و ارزشی، قواعد بخشندگی و حاجت‌خواهی، هنجارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشف و ارائه داده است.

کلیدواژه‌ها: تکافل اجتماعی، مبانی، آیات و روایات، اقتصاد اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

چگونگی سامان‌دهی و رفع مشکلات اجتماعی، از جمله فقر و نابرابری، از دغدغه‌های مهم بیشتر مکاتب فکری و نظام‌های حکومتی است. اهمیت این مسئله در اسلام تا جایی است که قرآن کریم هدف رسالت پیامبران را اقامه قسط و عدل و کتاب‌های آسمانی را معیار و میزان تحقق این امر دانسته (حدید: ۲۵) و در این راستا، با پرداخت زکات و انفاق به نیازمندان در راه خدا را در سرلوحه آموزه‌های خود قرار داده است. امروزه مجموعه‌ای از تعالیم اسلامی در این زمینه، که درصدد ارائه راهکاری برای حل مشکل معیشتی نیازمندان با همکاری متقابل خود مردم است، «تکافل اجتماعی» نامیده می‌شود. هرچند آیات قرآن کریم به ضمیمه روایات معصومان علیهم‌السلام و سیره عملی آنان الگوی موفقی از شیوه عملیاتی تکافل اجتماعی در جامعه صدر اسلام به وجود آورده بود (ر.ک: نادران و همکاران، ۱۳۹۱)، اما بازتعریف و بازسازی این الگو برای جوامع اسلامی معاصر - با توجه به آمیختگی فضای علمی به افکار مکاتب معارض و رواج الگوهای غربی و بروز دگرگونی‌های زیاد در عرصه نیازها و روابط اجتماعی - بدون توجه دقیق به اصول، مبانی و قواعد اساسی این الگو میسر نیست. از این رو، تحقیق حاضر با مراجعه به متون قرآن و حدیث و فحص نسبتاً جامع در آنها، به دنبال کشف اصول و مبانی نظام «تکافل اجتماعی» در عرصه‌های اعتقادی، اخلاقی و ارزشی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است تا بتوان با تکیه بر آنها، نسبت به احیای روزآمد و کارآمد تکافل اجتماعی در جوامع اسلامی معاصر اقدام نمود.

روش این تحقیق در مرحله گردآوری داده‌ها، استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزارهای حدیثی مانند «مکتبه اهل‌البیت»، «جامع‌الاحادیث» و مانند آن است و پس از جست‌وجو و گردآوری نصوص مناسب به روش لفظی و موضوعی و دسته‌بندی آنها به روش تحلیلی و توصیفی، به تحلیل آنها و کشف اصول و مبانی تکافل اجتماعی اقدام می‌نماید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مبانی تکافل اجتماعی در اسلام، تمایزهای روشنی با مکاتب معارض دارد. تکامل‌گرایی معنوی، آخرت‌نگری، رزق‌باوری، خدامالکی، امانت‌نگاری اموال، عدالت‌ورزی، تقوایی‌نگی، کرامت‌خواهی، پیوند برادری، سیاست ولایی و اخلاص‌ورزی از مهم‌ترین مبانی تکافل اجتماعی در نگرش اسلامی است.

پیشینه تحقیق

شهید سیدمحمدباقر صدر در کتاب *اقتصادنا* (۱۴۰۸ق)، نظریه «تأمین اجتماعی اسلامی» را بر پایه دو اصل «ضمان اعاله» و «تکافل عام» تبیین کرده است. محمد/بوزهره در کتاب *التکافل الاجتماعي فی الاسلام* (بی‌تا)، پس از تبیین مبانی اعتقادی، اخلاقی، حقوقی و فقهی رویکرد اسلام به تأمین اجتماعی، منابع و مصارف تکالیف الزامی و تبرعی اسلام را در تطبیق با موارد تحت پوشش تأمین اجتماعی متعارف بررسی نموده است. سیدرضا حسینی در کتاب *الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب* (۱۳۹۳)، راهکار «تکافل اجتماعی» را به عنوان یکی از راه‌کارهای سه‌گانه تأمین اجتماعی در اسلام (در کنار راه‌کارهای تدارک خصوصی و تضامن دولتی) معرفی کرده است. احمد قابل در کتاب *اسلام و تأمین اجتماعی: مبانی و راه‌کارهای حمایتی و بیمه‌ای در قرآن، روایات، اخلاق و فقه اسلامی* (۱۳۸۳)، معتقد است: راهبردهای حمایتی و امدادی تأمین اجتماعی مستقیماً قابل استناد به نصوص اسلامی است و راهبردهای بیمه‌ای نیز در قالب یکی از عقود معهود شرعی و یا عقد جدید بیمه، قابل پذیرش است. تلاش وی بر این بوده است که الگوی موجود تأمین اجتماعی را به تأیید آموزه‌های اسلامی برساند. عبدالله ناصح علوان در کتاب *التکافل الاجتماعي فی الاسلام* (بی‌تا)، تکافل اجتماعی در اسلام را بر مبنای احکام و ضوابط اسلامی توضیح داده است.

این نگارش در تلاش است با بهره‌گیری از منابع اصیل اسلامی، بتواند به مجموعه کاملی از مبانی تکافل اجتماعی، اعم از مبانی اعتقادی، اخلاقی و ارزشی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دسترسی پیدا کند، و از این حیث، می‌توان آن را از دیگر آثار، ممتاز دانست.

مفهوم‌شناسی و بیان مسئله

«تکافل اجتماعی» (عمومی) اصطلاح جدیدی است که از سوی اندیشمندان مسلمان به عنوان راهکار مردمی تأمین اجتماعی در اسلام پیشنهاد گردیده است. محمد/بوزهره در تعریف این اصطلاح می‌نویسد:

مقصود از «تکافل اجتماعی» در معنای لفظی، این است که همه افراد در پی برآوردن نیازها و انجام دادن کارهای جامعه خود باشند و هر توانای قدرتمندی با به‌گرددن گرفتن

یافتن پاسخ به این سؤال کلیدی انجام گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که دستورات اسلامی در زمینه تکافل اجتماعی، بر مبانی محکم اعتقادی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی استوار است و بر اساس این مبانی، برای نایل شدن آحاد جامعه اسلامی به اهداف عالی تکامل انسانی و قرب الهی، تقویت تکافل اجتماعی امری ضروری است.

مبانی اعتقادی تکافل اجتماعی

پایه‌های اعتقادی تکافل اجتماعی در نظام الهی، شامل برخی گزاره‌های اساسی درباره حقایق عالم هستی است که در شکل‌دهی به الگوی تکافل اجتماعی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. مهم‌ترین این گزاره‌ها عبارتند از:

الف. خداوند آرامش‌دهنده حقیقی

دستیابی به اهداف تکافل اجتماعی از این منظر که به دنبال برقراری آرامش و امنیت روانی برای افراد و رفع نگرانی‌های آنها نسبت به آینده است، مستلزم درک صحیح از حقیقت آرامش و امنیت انسان و عوامل زمینه‌ساز آن است. بر اساس تعالیم قرآنی، آرامش‌دهنده حقیقی انسان خدای متعال است (حشر: ۲۳) و خداوند را از آن نظر «مؤمن» می‌نامیم که به بندگان خود امنیت می‌بخشد (قریش: ۴؛ فتح: ۴). قرآن کریم امنیت و آرامش خاطر واقعی انسان را در گرو ایمان به خدا و یاد او می‌داند (رعد: ۲۸؛ انعام: ۸۲)؛ چنان‌که در نقطه مقابل، «کفر» و «اعراض از یاد خداوند» را مایه نامنی و تشویش خاطر انسان معرفی نموده است (حج: ۳۱؛ طه: ۱۲۴).

ب. تقوا؛ بهترین پشتوانه برای زندگی آرامش‌بخش

«تکافل اجتماعی» پدیده‌ای است که در روابط میان افراد با یکدیگر رخ می‌دهد، و از آنجاکه انسان در این زمینه، علاوه بر حس نوع‌دوستی، دارای انگیزه خودخواهی و طغیان نسبت به دیگران نیز هست، در شرایطی که نسبت به آینده اطمینان نداشته باشد، ممکن است برای تضمین آینده خود، درصد طغیان و استثمار دیگران باشد. از این رو، آرامش اجتماعی او مستلزم در اختیار داشتن دستورالعملی برای تنظیم روابط اجتماعی و برخورداری از انگیزه‌های نیرومند برای

کارهای جامعه خویش، برای نیکی رسانیدن بدان بشتابند. هر نیرویی در اجتماع وجود دارد نخست برای نگهداری سودمندی‌هایی یکایک افراد و از بین بردن زیان‌ها یکجا به کار افتد، سپس به پاسداری از ساختمان اجتماع، بر پایه زیان‌زدایی، و بنیان گذاشتن آن بر شالوده‌هایی راست و درست بپردازد (ابوزهره، ۱۹۹۱، ص ۲۱).

تکافل اجتماعی ایجاب می‌کند نیاز نیازمندی که توانایی انجام کاری ندارند، برآورده شود؛ بیچارگان چاره پیدا کنند؛ برای توانایان کار تهیه شود؛ نسل در حال رشد چنان پرورش داده شود تا همه آمادگی‌ها و نیروهای نهفته‌شان آشکار شود؛ خردسالانی که تازه به زندگی روی آورده و پدر خود را از دست داده‌اند، سرپرستی شوند؛ جامعه وظیفه دارد در زندگی کارگرانی که پس از مدت‌ها خدمت و بهره‌رسانی ناتوان شده‌اند، در برابر خدمت‌های خود به جامعه در روزگار نیرومندیشان، تسهیلاتی فراهم آورد (حامد مقدم، ۱۳۶۸، ص ۳۶).

شهید صدر عنوان «تکافل عمومی» (اجتماعی) را به کار می‌برد و در تعریف آن می‌نویسد: «تکافل عمومی» (اجتماعی) یکی از پایه‌های تأمین اجتماعی است که بر اساس آن، اسلام کفالت بعضی از مسلمانان را بر بعض دیگر واجب کفایی قرار داده است که باید همانند التزام به سایر واجبات، در حد ظرفیت و امکانات خود، به آن اقدام نمایند (صدر، ۱۴۰۸ق، ص ۶۹۷).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در بیان ابوزهره، تکافل اجتماعی، مشتمل بر تکالیف الزامی و غیرالزامی است و علاوه بر تأمین نیازهای معیشتی، سایر نیازهای انسان را نیز شامل می‌گردد. اما عبارت شهید صدر صرفاً ناظر بر تأمین نیازهای معیشتی است و تنها تکالیف الزامی را دربر می‌گیرد. منظور ما از «تکافل اجتماعی» همان معنای مشترک در این دو تعریف، یعنی «مسئولیت همگانی آحاد مسلمانان در مقابل یکدیگر» است، با این توصیف که ما این معنا را در اینجا همانند شهید صدر صرفاً در زمینه تأمین نیازهای معیشتی به کار می‌بریم، ولی از نظر الزامی و غیرالزامی بودن تکالیف، همانند تعریف ابوزهره، قابل به تعمیم هستیم. بعد از تبیین مفهومی تکافل اجتماعی، اولین سؤالی که ذهن هر مخاطبی را به خود جلب می‌کند این است که از منظر منابع اسلامی، چه مبانی و اصولی بر تکافل اجتماعی به معنای پیش گفته، حاکم است؟ این تحقیق به منظور

د. خداوند؛ تضمین‌کنندهٔ روزی همهٔ مخلوقات

براساس عقیدهٔ قرآنی، خداوند همهٔ نیازهای انسان را در عالم طبیعت خلق کرده است (ابراهیم: ۳۴) و هیچ جنبنده‌ای نیست، مگر آنکه خداوند روزی آن را تأمین کرده است (هود: ۶). قانون تکوینی و تشریحی خداوند، طریقه به دست آوردن روزی را معین ساخته است: در قانون تکوین الهی، گرچه تمام اسباب و علل در نهایت، به ذات مقدس الهی منتهی می‌شود، ولی ارادهٔ خداوند بر این تعلق گرفته است که هر یک از موجودات روزی خود را به طریقی از طبیعت به دست آورند. گرایش‌های فطری و غریزی موجودات زنده به سمت تأمین نیازها و وجود سلاقی و استعدادهای گوناگون در میان افراد انسان و نیروی جسمی و فکری او از جلوه‌های قوانین تکوینی خدا برای روزی مخلوقات است. در قانون خلقت، هیچ امر گزارفی وجود ندارد و هر پدیده‌ای براساس قانون و مسیر خاصی جریان پیدا می‌کند که خداوند برایش معین ساخته است (قمر: ۴۹؛ زخرف: ۳۲).

خداوند در قانون تشریحی خود نیز سهم هر کس را معین فرموده است. اصل اساسی برای سهم بردن در قانون شریعت، «کار» است (نجم: ۳۹). بنابراین، هر کس باید با تکیه بر استعدادهایی که خداوند برایش قرار داده است، به دریافت سهم خود از طبیعت اقدام کند و این سعی او محترم خواهد بود. خداوند حقوق کسانی را که به عللی خارج از خواست و ارادهٔ خودشان محروم مانده باشند، در اموال اغنیا قرار داده است که یا داوطلبانه خود، آن را می‌پردازند و یا دولت به استیفای آن اقدام می‌کند. بنابراین، خواست و ارادهٔ خداوند بر این تعلق گرفته است که انسان نگرانی معاش نداشته باشد و باید با تلاش فکری و جسمی خود، در مسیر این اراده خداوند حرکت کند. اعتقاد به رازقیت الهی نقش مهمی در ایجاد آرامش روانی و حفظ متانت و پایداری در مقابل حوادث و ناملازمات زندگی ایفا می‌کند.

ه. خداوند؛ مالک حقیقی

در بینش اسلامی، مالکیت حقیقی آسمان‌ها و زمین و تمامی موجودات از آن خداوند است (بقره: ۲۸۴). آنچه انسان با استفاده از استعدادهای خدادادی و کار و تلاش خود از طبیعت دریافت می‌کند، صرفاً یک مالکیت اعتباری است که در طول مالکیت حقیقی خداوند

رعایت آن است. خدای متعال چنین دستورالعملی را در قالب احکام و دستورات دینی در اختیار انسان قرار داده و رعایت آنها را تحت عنوان «تقوا» بهترین پشتوانه و مایهٔ برخورداری از زندگی امن معرفی نموده است (اعراف: ۳۵؛ دخان: ۵۱؛ بقره: ۱۹۷).

در برخی از آیات نورانی قرآن کریم، تقوا به عنوان کفیل زندگی انسان معرفی شده است (حدید: ۲۸). قرآن کریم خشنودی خداوند و رفتار بر پایهٔ تقوا را به بنیانی محکم تشبیه کرده و در نقطهٔ مقابل آن، کسی است که بنای خود را بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط پی‌ریزی کرده و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد (توبه: ۱۰۹-۱۱۰). قرآن همچنین با ترغیب به انفاق و ارائهٔ مثال‌های متعدد، «انفاق فی سبیل الله» را راه‌حل مناسبی برای رفع نگرانی نسبت به آیندهٔ زندگی خود و بازماندگان می‌داند (بقره: ۲۶۱-۲۸۱).

ج. ابتلا به فقر و غنا؛ سنتی از سنت‌های الهی

در بینش اسلامی، ابتلای به فقر و حوادث، از واقعیات عالم هستی است که خداوند با حکمت بالغهٔ خود، آن را برای آزمایش بشر و کسب استحقاق رشد و تعالی او قرار داده است (بقره: ۱۵۵). بنابراین، تأمین نیاز نیازمندان باید در راستای این سنت الهی صورت پذیرد؛ به این معنا که وقتی فقیر برای کسب روزی تلاش می‌کند این تلاش موجب پیشرفت جامعه و خودش می‌شود، و در صورتی که تلاش او قرین موفقیت ظاهری نباشد علاوه بر اینکه او به صبر و توکل توصیه شده است، ثروتمندان جامعه نیز وظیفه دارند به او انفاق کنند، و این کار مایه رشد و تعالی خود آنهاست. تأکیدهای بلیغ و مکرر قرآن کریم به انفاق و تذکر نسبت به عواقب هلاکت‌بار ترک آن حاکی از این واقعیت است که انفاق در نظام الهی، صرفاً یک مسئلهٔ عاطفی برای دلجویی از فقیران نیست، بلکه راهکار بی‌نظیر دستگاه خلقت برای پیشرفت و تعالی همهٔ آحاد جامعه، اعم از فقیر و غنی است. گویا همان‌سان که تشکیل خانواده توسط دو جنس مخالف، سنت الهی برای تکامل هر یک از آنها و حفظ نسل بشریت است، انفاق غنی بر فقیر هم قانون خلقت برای پیشرفت همراه با معنویت و عدالت فرد و جامعه است و در بسیاری از آیات قرآنی، به این مطلب اشاره شده است (ر.ک: توبه، ۹۹ و ۱۰۳؛ بقره: ۹۵ و ۲۶۱؛ آل عمران: ۹۲).

ناکافی بودن قوای ادراکی او در تشخیص مسیر سعادت و خیر اجتماعی، موجب نیازمندی او به راهنمایی وحی و تعلیم دینی است. بنابراین، عقل انسان در شناخت اهداف نهایی و برخی از اهداف واسطه‌ای و اصول کارهایی که باید انجام شود از شرع کمک می‌گیرد؛ چنان که برخی از روش‌های رسیدن به اهداف نیز با ارشاد شارع شناخته می‌شود. به بیان دیگر، در چارچوب جهان‌بینی و نظام ارزشی اسلام، استناد صرف بر نیروی عقل حسابگر در محاسبه سود و زیان ناشی از رفتارها، کارساز نیست، و عمل انسان در صورتی عقلانی و عقلایی خواهد بود که منطبق بر احکام و ارزش‌های دینی هم باشد (همان، ص ۱۱۹).

باورهای اعتقادی تسهیل‌کننده بخشش

با تتبع در منابع اسلامی، می‌توان به تعداد زیادی از باورهای اعتقادی دست یافت که بخشندگی را برای انسان‌ها تسهیل می‌کند ترغیب بشریت به دستیابی به حصول این باورها و خصایص، غالباً با هدف تربیت نیروی انسانی و به هدف اصلاح جامعه اسلامی از سوی معصومان علیهم‌السلام صادر شده است. فرهنگ‌سازی، آموزش، تشویق و ترغیب جامعه برای کسب این خصایص به تقویت تکافل اجتماعی کمک شایانی می‌کند (حسینی، بی‌تا، ص ۷۵-۸۳ و ۱۴۳-۱۶۶).

۱. ایمان به غیب

با وجود اینکه در شأن نزول آیات شریفه ۵-۷ سوره مبارکه «لیل» دو نقل مختلف وجود دارد، لیکن هر دو نقل در این معنا مشترکند که معادباوری موجب شده است تا فردی از اموال خویش گذشت کند. علامه طباطبائی در ذیل این آیات، می‌نویسد: در این آیه، «حُسنی» صفت قائم‌مقام موصوف شده و ظاهراً بِالْعِدَّةِ الْحُسْنَى (وعده به حسنی) در تقدیر است و مراد از «وعده حُسنی»، ثواب‌های وعده داده‌شده الهی برای انفاق خالص است. مسلماً از لوازم انفاق خالص، ایمان به وحدانیت حق تعالی در ربوبیت و الوهیت، ایمان به جهان آخرت و ایمان به رسالت است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۰۳). از این آیات و روایات ناظر به آنها، استفاده می‌شود که ایمان به غیب و معادباوری، انفاق و ایثار و گذشتن از مال را برای انسان سهل و آسان می‌کند، و با ایمان به غیب، خیر به میزان بیشتری متقاضی خدمت خیرخواهانه خواهد شد.

به او اعطا شده است. بر این اساس، آزادی تصرف انسان در اموال خود، صرفاً در چارچوبی است که از سوی شرع معین شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص ۱۶).

این عقیده می‌تواند مبنایی برای گرفتن از اغنیا برای کمک به فقرا قرار بگیرد. اعتقاد به مالکیت خداوند و مسئولیت اخلاقی و ایمانی انسان در نحوه تصرفات مالی خود، زمینه مناسبی برای جلب مشارکت افراد در تکافل اجتماعی و تجهیز منابع آن به وجود می‌آورد.

و. ارتباط مستقیم مشارکت در تأمین هزینه‌های تکافل اجتماعی با تأمین نیازهای اخروی افراد

باور به «معاد» و تداوم زندگی در جهان آخرت، یکی از اصول اعتقادات مسلمانان است که از دو جهت در الگوی تکافل اجتماعی مؤثر است. جهت اول لزوم توجه به نیازهای زندگی اخروی افراد؛ و جهت دوم رابطه مستقیم تلاش فرد برای تأمین نیازهای اخروی خود با مشارکت او در تأمین نیازهای دیگران. از این رو، قرآن کریم با تبیین اوصاف و ویژگی‌های زندگانی اخروی و نوع رابطه‌ای که میان اعمال انسان در دنیا با پاداش‌ها و کیفرهای جهان آخرت وجود دارد، زمینه‌های مناسبی برای هدایت رفتار امت اسلامی در این مسیر پدید می‌آورد. براساس باورهای اسلامی، ایشان مسلمان در تخصیص درآمد خود، افزون بر نیازهای زندگی دنیایی، نیازهای زندگی بی‌پایان جهان آخرت را هم در نظر می‌گیرد و بخشی از درآمد خود را به مشارکت‌های اجتماعی اختصاص می‌دهد (قصص: ۷۷).

ز. نیازمندی انسان به وحی

در دیدگاه اسلام، انسان بنده خدا و جانشین او در زمین است (بقره: ۳۰)؛ دین آیین بندگی و رسم جانشینی اوست (روم: ۳۰؛ توبه: ۳۶؛ یوسف: ۴۰؛ روم: ۴۳؛ بینه: ۵؛ انعام: ۱۶۱)؛ بُعد زمانی او تا عالم آخرت امتداد دارد؛ دارای هویت فردی - اجتماعی در ابعاد وجودی، ملکی و اخلاقی است؛ موجودی است دو بعدی، دارای اراده، دارای قدرت تفکر و تعقل و هدفدار و مسئول، و در عین حال، بسیار ستمگر، نادان (احزاب: ۷۲)، عجول و حریص (ر.ک: حسینی، ۱۳۷۹، ص ۹۹-۸۱). انسان با تمامی فضایل و ارزش‌های والایی که بالقوه داراست، ممکن است در اثر انحراف از سرشت اصلی خویش، در مسیر هلاکت و سقوط گام بردارد. ناتوانی انسان در مرحله شناخت و

۲. باور به مالکیت اصیل خداوند بر همه اموال

باور به مالکیت اصیل خداوند بر همه اموال، انسان را تا سر حد مرز بندگی حقیقی پیش خواهد برد و انفاق و از خودگذشتگی مالی را برای نفس سرکش هموار و آسان می‌سازد. در آیه ۳۳ سوره «تور»، خداوند تبارک و تعالی تأکید فرموده است: از اموال خداوند، که در اختیار شما قرار داده است، ببخش. امام صادق ع در پاسخ به سؤال *عنوان بصری* درباره حقیقت عبودیت فرمودند: حقیقت عبودیت این است که عبد در خصوص اموالی که خداوند به او ارزانی داشته، برای خویش مالکیتی قایل نباشد؛ زیرا بردگان برای خویش مالکیتی قایل نیستند. بنابراین، اموال را اموال الهی دانسته و در جاهایی که خداوند تبارک و تعالی بدان‌ها امر فرموده است هزینه می‌کنند. هنگامی که عبد برای خویش در آنچه خداوند ارزانی اش داشته مالکیتی قائل نباشد انفاق برایش آسان می‌گردد (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۳۲۷).

۳. اعتماد به تحقق وعده‌های الهی

ایمان به وعده‌های الهی و دوری از وسوسه شیطانی، انسان را سخاوتمندتر می‌کند. کسی که معتقد است خزاین غیب الهی در دستان خداوند تبارک و تعالی است: «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ» (انعام: ۵۹) هیچ‌گاه از انفاق و خیرخواهی هراسی به دل راه نمی‌دهد. هر قدر این حس در انسان‌ها تقویت گردد خیرخواهی افزون‌تر می‌گردد. در آیه ۲۸۶ سوره «بقره» خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «الشَّيْطَانُ يَعِدُّكُمْ الْفَقْرَ» (بقره: ۲۶۸)؛ شیطان به شما وعده فقر می‌دهد، درحالی‌که خداوند به شما وعده آمرزش و رحمت می‌دهد.

۴. خوش‌گمانی به خداوند تبارک و تعالی

در فرهنگ اسلامی، سخاوتمندی سخاوتمند به خاطر خوش‌گمانی او به خداوند و بخل بخیل به سبب بدگمانی او به خداوند است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۳۴). بنابراین، ارتباطی مستقیم بین خوش‌گمانی به خداوند و مسئله انفاق وجود دارد. از سوی دیگر، علاقه‌ای سلبی بین بدگمانی به خداوند و انفاق فی سبیل الله وجود دارد. فلسفه این ارتباط آن است که انسانی که دلش به دریای عظیم رحمت الهی وصل باشد هیچ‌گاه بخشش را موجب نقصان از دریا نمی‌بیند، ولی اگر کسی همه اتکایش به علم و دانش خویش

بوده و به حضرت دوست بدگمان باشد، گفتمان قارونی پیدا می‌کند که می‌گفت: این اموال را با علم و کیاست خویش به دست آورده‌ام (قصص: ۷۸).

۵. خوش‌گمانی به مسئله بخشش و نترسیدن از فقر و فلاکت

انسان هر قدر بیشتر تحت تأثیر وسوسه شیطانی قرار گیرد کمتر انفاق و خیرخواهی می‌کند؛ زیرا شیطان همواره انسان را از فقر و نداری می‌هراساند (بقره: ۲۶۸). امام کاظم ع فرمودند: «کسی که از فقر بترسد بخیل می‌شود و کسی که به طول عمر امیدوار باشد حریص می‌گردد» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳ق، ص ۴۰۸). طبق روایات اسلامی، نه بخل‌ورزی در حالت فقر برای انسان سودی به ارغان می‌آورد و نه سخاوت در حالت دارایی به انسان ضرری می‌زند (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۱۷۰). امام صادق ع می‌فرمایند: «کسی که از فقر نهراسد و انفاق کند، خداوند تبارک و تعالی خانه‌ای در بهشت را برایش عهده‌دار خواهد شد» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۲۱۴)، و اگر کسی اموالش را با این ترس که ورثه او فقیر خواهند شد، انفاق نکند خداوند آنها را فقیر خواهد کرد (زخرف: ۶۷).

۶. کرامت نفس

امیرمؤمنان علی ع در رفعت کرامت نفس می‌فرمایند: «هر کس به کرامت نفس نایل شود، اموال و دارایی‌هایش در پیش چشمش کوچک و پست می‌شوند» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۲۵۳)؛ و «هر کس نفسش به کرامت نایل شود بذل و بخشش برایش سهل و راحت می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۲۹)؛ و «سخاوتمندی شخص به اندازه مروت و جوانمردی اوست» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۸)؛ و «جود و بخشش تنها از طبیعت نیکو می‌جوشد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۶). آن حضرت سخاوت را از نشانه‌های شجاعت و جوانمردی برشمردند (همان، ص ۱۱۸۶) و فرمودند: «با خوش‌رویی و بذل و بخشش، می‌توان بر کرامت شخص استدلال کرد» (همان، ص ۸۰۰).

۷. باور به وسیله آزمایش بودن سائل

در فرهنگ روایی، سائل وسیله‌ای از وسایل آزمایش الهی قلمداد شده

ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی نقش تعیین‌کننده‌ای در کارکرد نظام تکافل اجتماعی دارند. نظام اخلاقی اسلام به گونه‌ای است که مشارکت در تجهیز منابع مالی تأمین اجتماعی افزایش و متقابلاً استفاده از کمک‌های تأمین اجتماعی را کاهش می‌دهد. مبانی اخلاقی و ارزشی تکافل اجتماعی از حیث روابط میان اعطاکنندگان و نیازمندان از دو جنبه «اصول و قواعد بخشندگی» و «اصول و قواعد حاجت‌خواهی» قابل بحث است که در ذیل، به آنها پرداخته می‌شود:

۱. اصول و قواعد بخشندگی

دین مبین اسلام برای هر کاری آداب و اصولی وضع کرده است تا تمام اعمال انسانی رنگ خدایی بیذیرد. از این جمله، بخشش است که اگر اصول و آداب خاص رعایت نشود از درجه اهمیت ساقط شده و گاهی نه تنها ارزشی نیست، بلکه ضد ارزش تلقی می‌شود. در ادامه، به مهم‌ترین دستورات اسلام درباره انفاق اشاره می‌گردد. لازم به ذکر است که به نظر می‌رسد غیر از اخلاص و عدم الایذاء، که از واجبات انفاق و بخشش تلقی می‌شود، سایر موضوعات موجبات کمال انفاق را فراهم می‌سازد.

الف. اخلاص

در آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام به انواع گوناگونی از انگیزه‌ها، شامل انگیزه‌های ریاکارانه «يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ» (بقره: ۲۶۴)؛ انگیزه‌های نفع‌طلبانه «وَلَا تَمُنُّنَ تَسْتَكْبِرُ» (مدثر: ۶)؛ و انگیزه‌های الهی «يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيْتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (بقره: ۲۶۵)؛ «نُطْعِمُكُمْ لَوْجَهَ اللَّهِ» (انسان: ۹) اشاره شده است. چندگانگی انگیزه‌ها ریشه در رویکرد اسلامی به انسان، به عنوان ترکیبی از دو بعد مادی (طبیعی، جسم) و معنوی (ملکوتی و الهی) دارد (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۲۴۹). در آیه ۲۵۶ سوره «بقره»، کسب رضایت خداوند و تثبیت ملکات اخلاقی در انسان، به عنوان دو انگیزه معنوی ممدوح انفاق ذکر شده است. در قرآن مجید و روایات معصومان علیهم‌السلام برخی انگیزه‌های مادی دنیوی رفتار با اموال، از جمله انگیزه ریاکارانه (بقره: ۲۶۴ و ۲۷۱) و انگیزه کنز و انباشتن اموال مذموم شمرده شده‌اند. برخی دیگر از عواید مادی دنیایی همچون انفاق برای دفع بلا و ازدیاد مال نیز در بیشتر حالات مذمت نشده است. پیگیری عواید

است. طبیعی است که اگر کسی از این منظر به سائل بنگرد، انفاق و خیرخواهی برایش سهل‌تر و ایثار برایش راحت‌تر خواهد شد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «سائل از طرف خداوند برای آزمایش افراد فرستاده می‌شود؛ کسی که به او ببخشاید در واقع به خداوند بخشیده است، و کسی که او را رد کند خداوند را رد کرده است» (همان، ص ۳۵۳۹).

۸. باور به مترتب شدن آثار دنیوی و اخروی برای خیرخواهی

آیات و روایات آثار متعددی از آثار دنیوی و اخروی برای انفاق برشمرده‌اند: بازگشت تمام ثمره انفاق به انفاق‌کننده، برکت مال و کلید گشایش روزی، محبت مردم، حفاظت از مال و ورثه نیکو، سلامت جسمانی و طولانی شدن عمر، رفع پریشانی و پیشامد و مرگ بد و انواع بلا، وصول صدقه به دست خداوند قبل از رسیدن به دست فقیر، خداوند جایگزین‌کننده انفاقات، مایه تقرب به خداوند و آموزش گناهان و اجابت دعا، سایه قیامت، سنگینی ترازوی اعمال، حجاب از آتش دوزخ و موجب ورود به بهشت (رعد: ۲۲؛ توبه: ۹۹؛ سبأ: ۳۹؛ توبه: ۱۰۴؛ بقره: ۲۷۲ و ۲۷۴). مسلماً توجه و باور به این آثار می‌تواند انفاق و خیرخواهی را برای خیران آسان گرداند.

مبانی اخلاقی و ارزشی

مبانی اخلاقی و ارزشی الگوی اسلامی دارای تمایزهای آشکاری نسبت به مبانی اخلاقی الگوی متعارف است. در این الگو، به سبب آنکه هدف نهایی، رسیدن به مقام قرب الهی است، هرچه مرضی خدای متعال باشد خوب است، هرچند با تمایلات نفسانی انسان ناسازگار باشد (توبه: ۷۲). یکی از معیار خشنودی خداوند این است که برخلاف لذت‌گرایی، که فقط خصلت فردگرایانه دارد، دارای خصلت جمع‌گرایانه است؛ زیرا بر اساس معیار خشنودی خداوند، هر کاری فرد در جهت مشارکت اجتماعی انجام دهد، مستوجب پاداش الهی خواهد بود و بدین سان، منافع جمعی در زمره منافع فرد داخل می‌شود و مشکل دیرینه نبود هماهنگی بین منافع فردی با منافع اجتماع به طور اصولی حل می‌شود.

در آیات و روایات، صفات و اعمال اخلاقی برخاسته از مبنای فوق، به تفصیل بیان شده است (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ص ۳۷۳-۳۹۷ و ۴۵۳-۴۶۲).

مادی اخروی مانند نعمت‌های مادی بهشتی نیز وضعیت مشابهی دارند. در مقابل، خداوند متعال از انگیزه‌های معنوی انفاق همچون تلاش برای تثبیت نفس و کسب رضایت الهی (بقره: ۶۵) با تمجید بسیار یاد می‌کند (توکل، ۱۳۹۳، ص ۷۹-۸۲).

ب. رعایت عزت نفس و برخورد حکیمانه با گدایان حرفه‌ای

وقتی فقیر آبرومندی از سر نیاز و اضطرار، برای تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای خود از توانگری سؤال می‌کند ناخواسته عزت و آبروی انسانی خویش را در معرض نابودی گذاشته است. مسئولیت انسان در قبال حفظ عزت و احترام هموعان - وظیفه خطیری که خداوند در این زمینه بر دوش او نهاده - مقتضی برخوردی است که هر گونه آثار ذلت و خواری را از چهره سائل زدوده، او را در جایگاه عزت و حرمت شایسته خویش قرار دهد. اهل بیت علیهم‌السلام برای این منظور، قبل از سؤال، می‌بخشیدند و به کتابت سؤال امر می‌کردند و در بسیاری از حالات، از پشت پرده اعطا می‌کردند و معمولاً صدقه را مخفیانه و شبانه به فقرا می‌رساندند (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸). آنان هیچ‌گاه با منت و اذیت، انفاق خویش را باطل نمی‌کردند (بقره: ۲۶۲). در این مقام، ذکر این نکته ضروری است که تکدی‌گری یکی از پدیده‌های نامطلوب اجتماعی است که در سخنان اهل بیت علیهم‌السلام به شدت از آن مذمت گردیده است. اما چون گروهی از نیازمندان واقعی جامعه نیز گاهی در اثر شدت نیاز و اضطرار چاره‌ای جز سؤال و اظهار حاجت ندارند و در عمل، تشخیص نیازمندان واقعی از متکدیان حرفه‌ای بسیار مشکل است، اهل بیت علیهم‌السلام به‌طور کلی، هیچ سائلی را رد نمی‌کردند و حتی در برخورد با متکدیان حرفه‌ای، با کلمات حکیمانه و عطایی مختصر، به هدایت آنان می‌پرداختند (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۵ و ۱۴۹).

ج. مباشرت در اعطا

پیامبر اکرم و اهل بیت ایشان انفاق به نیازمندان را شخصاً و بدون واسطه انجام می‌دادند. این عمل ضمن اینکه شدت اهتمام اهل بیت علیهم‌السلام به محرومان و اهمیت تأمین نیاز آنان را ثابت می‌کند، بزرگداشت مقام انسانی نیازمندان و بهترین نوع دلجویی از آنان نیز به‌شمار می‌رود (کوفی قاضی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۵۲).

د. رد نکردن نیازمند

از دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام سائل فرستاده خدا و رد او رد خداست. از این نظر، خاندان رسالت در سیره عملی خویش، هیچ‌گاه سائلی را رد نکرده‌اند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حتی در صورتی که چیزی برای بخشیدن نداشتند، با وعده، سائل را راضی می‌کردند. امیرمؤمنان علی علیه‌السلام انگشتر خویش را در رکوع نماز به سائل دادند و با مشاهده چهره مأیوس سائلی به گریه افتادند و چون چیزی برای بخشش نداشتند شمشیری را که با آن بارها از حریم رسول خدا دفاع کرده بودند به او بخشیدند (کلینی، ۱۳۶۹، ص ۱۰۰ و ۱۲۹).

ه. ملاطفت و مهربانی

گشاده‌رویی و مهربانی با نیازمندان یکی از اخلاق نیک امامان معصوم علیهم‌السلام در مواجهه با سائل بود. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اعطای مالی خویش را با سخنان محبت‌آمیز همراه می‌کردند. ملاطفت آن حضرت با اعرابی سائل نمونهٔ اعجاب‌برانگیزی از اخلاق کریمانهٔ اهل بیت علیهم‌السلام است (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۹ و ۱۱۴).

و. اعطا به اندازهٔ رفع کامل نیاز

هرگاه نیازمندی مقدار نیاز خود را اعلام می‌کرد، اهل بیت علیهم‌السلام حتی‌الامکان به اندازهٔ رفع کامل نیاز و بلکه مقداری هم بیشتر، به او می‌بخشیدند (طوسی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۳۴).

ز. اعطا به اندازهٔ معرفت سائل

یکی از نکات آموزنده دربارهٔ انفاق اهل بیت علیهم‌السلام توجه به شأن و منزلت علمی و معنوی نیازمندان در تعیین میزان انفاق بر آنها بود و اساس این نکته در حدیث رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که فرمودند: «اعطوا المعروف بقدر المعرفة» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۴۷ و ۴۲۰).

ح. تقدیم ارحام: الاقرب فالاقرب

تساوی حقوق عموم مردم در توزیع اموال عمومی و تقدیم ارحام در عطایای شخصی، از اصول مسلم توزیع درآمد در اسلام است. اهل بیت علیهم‌السلام همان‌گونه که در انفاق بیت‌المال، مظهر اعلائی عدالت بودند، در انفاق اموال خصوصی خویش نیز با بذل توجه خاص به خویشاوندان، به‌ویژه نزدیکان، که رابطهٔ خوبی با ایشان نداشتند،

را تکان می‌دادند. میهمان گمان کرد آنها نیز همراه او غذا می‌خورند. او به مقدار کافی خورد و سیر شد، و آنها شب گرسنه خوابیدند. صبح خدمت پیامبر ﷺ آمدند. پیامبر نگاهی به آنها کردند و با تبسم (بی‌آنکه آنها سخنی بگویند) آیه فوق را تلاوت کردند و ایشار آنها را ستودند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۳۴۲).

۲. اصول و قواعد حاجت‌خواهی

همان گونه که دهنده عطا یا باید آداب و اصولی را رعایت کند، فقیر نیز باید به قواعد و اصولی ملتزم باشد. این اصول و قواعد را می‌توان در ضمن چند بند خلاصه کرد:

۱. از اسراف اعانه، حبس و مصرف در امور غیر ضرور پرهیز کند.
۲. بر درخواست پافشاری نکند.
۳. علاوه بر تشکر از خداوند متعال، حق انفاق کننده را نیز بشناسد، و او را دعا و ستایش کند «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق». امام صادق ﷺ فرمودند: «خدا لعنت کند کسانی را که سدا راه خیر می‌کنند. شخصی عرض کرد: آنها چه کسانی هستند؟ فرمودند: مردی است که کسی به او نیکی می‌کند، ولی او کفران نعمت می‌نماید، و این موجب شود که آن شخص به دیگری نیکی نکند (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۳۳، ح ۱).

۴. اعانه دریافت شده را حقیر نشمارد و کسی را که به او کمک رسانده است مذمت نکند؛ و اگر بر عیبی از او مطلع شد، عیب او را پپوشاند؛ و اگر به او چیزی نداد، از او بدگویی نکند و او را ملامت ننماید.

۵. از مال حرام و شبهه‌ناک اجتناب ورزد و برای تحقق این هدف، باید از کسی که مال او حلال نیست، یا بیشتر مال او حرام است، یا از حرام احتراز نمی‌کند، چیزی قبول نکند.

۶. بیش از قدر ضرورت و احتیاج قبول نکند.

۷. آشکارا سؤال و درخواست نکند، به‌ویژه از کسانی که دارای روحیه خجالتی هستند و در صورت نبود استطاعت اجابت، شرمنده و حجالت‌زده می‌شوند.

۸. علما و پرهیزگاران تا مرز اضطرار، از قبول زکات و صدقه، امتناع کنند. این اشخاص برای حفظ شرف و مروشان، چیزی را که دریافت کرده‌اند، آشکار نکنند، مگر اینکه غرض از آشکار کردن، شکرگزاری، بیان بندگی و فروتنی باشد (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۰).

اسوه‌های کاملی از آداب قرآنی و توحید اجتماعی اسلام به‌شمار می‌روند (طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۹، ص ۱۳۱ و ۵۶۰).

ط. انفاق شبانه

انفاق اهل بیت ﷺ به خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمندان آبرومند در تاریکی شب و به گونه‌ای انجام می‌گرفت که احدی بر آن اطلاع پیدا نکند. یتیمان و بینوایانی که دست عطوفت اهل بیت ﷺ مونس شب‌های فقر و فلاکتشان بود، نام و نشانی بجز مهر و محبت و اخلاص از آورنده نان شب خویش نداشتند. وقتی با شهادت امام شب‌های انس آنان به تنهایی و غربت کشیده می‌شد، آن‌گاه بود که مونس تنهایی خود را با نام‌های بزرگ‌مردان آسمانی علی بن ابی‌طالب، حسین بن علی، زین‌العابدین و یا جعفر بن محمد - صلوات الله و سلامه علیهم - می‌شناختند (ابن شهر آشوب مازندرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۶).

ک. تأکید بیشتر بر زمان‌های مبارک

یکی از خصوصیات انفاق اهل بیت ﷺ بذل توجه خاص به زمان‌های مبارک، از قبیل روز جمعه، ماه رمضان، شب قدر و مانند آن بود (صدوق، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۵).

ل. از خودگذشتگی در موارد خاص، با وجود نیازمندی

قرآن کریم گروهی از فقرا را ستوده که خویشتن‌داری کرده و رفتارشان به گونه‌ای است که دیگران، گمان می‌کنند اینان از برخورداران هستند (بقره: ۲۷۳). همچنین در نهمین آیه از سوره مبارکه «حشر» از گروهی مؤمنان یاد می‌کند که در عین نیازمندی، دیگران را بر خویش ترجیح داده، حتی در حال فقر و نیازمندی نیز از دیگران دستگیری می‌کنند (حشر: ۹). مفسران در شأن نزول این آیه شریفه، آورده‌اند که کسی خدمت پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: گرسنه‌ام. پیامبر دستور دادند: از منزل غذایی برای او بیاورند؛ ولی در منزل حضرت غذایی نبود. فرمودند: چه کسی امشب این مرد را میهمان می‌کند؟ مردی از انصار اعلام آمادگی کرد، و او را به منزل خویش برد؛ اما جز مقدار کمی غذا برای کودکان خود نداشت. سفارش کرد غذا را برای میهمان بیاورید، و چراغ را خاموش کرد و به همسرش گفت: کودکان را هر گونه ممکن است چاره کن تا به خواب روند. سپس زن و مرد بر سر سفره نشستند و بی‌آنکه چیزی از غذا در دهان بگذارند، دهان خود

مبانی اقتصادی

در علم اقتصاد، معمولاً رفتارهای اقتصادی به سه حوزه تولید، توزیع و مصرف تقسیم می‌شوند. در این قسمت، بر مبنای همین تقسیم‌بندی، مبانی رفتاری الگوی تکافل اجتماعی مطلوب بررسی می‌شود:

خانواده‌های بنی‌هاشم را تأمین کنند. انتظار می‌رود نهادینه شدن فرهنگ اسلامی نسبت به ارزش کار و قیح تبلی و تکدی‌گری موجب تعدیل عرضه و تقاضای خدمات تکافل اجتماعی گردد.

۲. توزیع

برخلاف نظام سرمایه‌داری، که مبتنی بر انباشت و تمرکز ثروت است، بر اساس روایت پیامبر اکرم ﷺ، اسلام رسالت خود را انفاق و توزیع ثروت معرفی نموده است: «لَمْ نُعِثْ لِيَجْمَعْ الْمَالِ، وَلَكِنْ نُعِثْنَا لِانْفَاقِهِ» (طبرسی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۲۱، ح ۱۰۱۸). براین اساس، توزیع درآمدی مناسب از جمله مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار در تحقق اهداف تکافل اجتماعی است. تکافل اجتماعی مطمح نظر اسلام با توزیع درآمد و ثروت رابطه‌ای دوسویه دارد. از یک‌سو، تعادل در توزیع درآمد و کاهش تعداد افراد زیر خط فقر هزینه‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد، و از سوی دیگر، وجود یک نظام تأمین اجتماعی کامل می‌تواند موجبات تعدیل در توزیع درآمد و ثروت را فراهم آورد. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که یکی از مهم‌ترین فواید تکافل اجتماعی، کاهش فقر است. در این بحث، با دو رویکرد اقتصاد «خرد» و «کلان» اثبات می‌شود که کاهش فقر موجب گسترش بازار و افزایش رقابت در بازار می‌شود و هر قدر بازار رقابتی‌تر گردد به اهداف عالی تکافل اجتماعی در اسلام نزدیک‌تر خواهیم شد (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۰).

۳. مصرف

در اقتصاد مرسوم، مفهوم کانونی مسئله تخصیص درآمد، «مصرف» است و بر حداکثرسازی آن تأکید می‌گردد؛ اما در منابع اسلامی، به جای آن، بر مفهوم «انفاق‌عام» تأکید شده است. این رویکرد مبتنی بر بینش خاص اسلام درباره ابعاد زندگی انسان و تفسیر آن از سعادت وی است. در این بینش، رفاه پایدار انسان در دنیا بدون عدالت اجتماعی و معنویت ممکن نیست و برای تحقق همزمان این سه مهم، باید مصالح فرد و جامعه، در رفتارهای افراد با یکدیگر عجین شود. از این‌رو، قرآن کریم به جای مفهوم «مصرف» بر مفهوم «انفاق» تأکید کرده است. موارد انفاق در کتاب و سنت آنچنان گستره وسیعی دارد که تمام مصالح دنیا، آخرت، فرد و اجتماع را دربر می‌گیرد. قرار گرفتن مشارکت‌های اجتماعی به عنوان یکی از مجاری اصلی تخصیص درآمد در الگوی تخصیص درآمدی فرد

۱. تولید

موفقیت یک نظام تکافل اجتماعی در گرو وجود منابع کافی برای تخصیص به افراد تحت پوشش آن است و این نیز در گرو وجود یک نظام انگیزشی و اقتصادی است که بتواند به اندازه کافی، کالا و خدمات تولید کند. کار و تولید در اسلام، از مهم‌ترین عبادات به‌شمار می‌رود، تا آنجا که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «عبادت هفتاد جزء دارد که برترین آنها طلب روزی حلال است» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۷۸). انگیزه یک مسلمان از کسب و کار، تأمین معاش خود و خانواده‌اش است و اسلام ثواب چنین عملی را مانند ثواب جهاد در راه خدا می‌داند، چنان که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «کسی که برای تأمین مخارج خانواده‌اش از راه حلال تلاش می‌کند، همانند مجاهد در راه خداست» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۶۸). در همین زمینه، اسلام تبلی و بیکاری و استفاده اختیاری از صدقات را به شدت مذمت کرده است. رسول خدا ﷺ فرمودند: «برای گناهکار بودن مرد، کافی است که او سر بار بر گرده مسلمانان باشد» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۱۲۹). وجود این انگیزه سبب می‌شود که در جامعه اسلامی، در درجه اول، هر کس خودش نسبت به تأمین مخارجش اقدام نماید و باری را بر هیچ نظامی تحمیل نکنند.

افزون بر این، تولید به قصد کسب درآمد مازاد، به منظور سرمایه‌گذاری و تقویت پایه‌های اقتصادی جامعه و کمک به نیازمندان و به‌طور کلی، هرگونه تلاش مفید و تولید ارزش افزوده مادام که به منظور فخرفروشی و تکاثر نباشد مستوجب پاداش الهی است، و اصولاً از دیدگاه قرآن کریم، سعادت انسان در گرو تحصیل مازاد درآمد و انفاق آن در راه رضای خداست (آل عمران: ۹۲). وجود چنین انگیزه‌ای سبب می‌شود پرداخت انفاقات به نظام تکافلی به سهولت و با انگیزه قوی انجام پذیرد و خود فرد نیز به صورت داوطلبانه در این مسیر به صورت جدی مشارکت کند؛ چنان که امیرمؤمنان ﷺ به خاطر پیروی از چنین انگیزه‌ای، به حدی از تولید ثروت و درآمد رسیدند که به‌تنهایی قادر بودند مخارج تمام

این عقیده وجود دارد که جامعه همانند یک پیکر به هم پیوسته از افراد تشکیل شده است که همگی باید در صفوف به هم پیوسته (سبأ: ۴۶) در مسیر تکامل الی الله حرکت کنند. در این نگرش، مصالح هیچ جزئی بدون در نظر گرفتن مصالح سایر اجزا ممکن نیست. از این رو، همگان در مقابل هم مسئولند و هر کس همان گونه که نیازهای خود را می بیند، باید نیازهای دیگران را هم در نظر بگیرد (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷).

اعتقاد به پیوندهای اجتماعی، کارکردهای فراوانی در جهت اهداف تکافل اجتماعی دارد. وظیفه زوجین در مقابل یکدیگر، وظیفه والدین در مقابل فرزندان، و وظیفه فرزندان در مقابل والدین - به ویژه سالمندان - وظیفه فرد در مقابل سایر افراد، مسئله ارث گذاری و ارث بری، و وظیفه مجموعه افراد یک نسل در مقابل نسل های آینده، نمونه هایی از آن است.

متقابلاً در برنامه های تکافل اجتماعی هم ایحاد و تحکیم پیوندهای اجتماعی اهمیت زیادی دارد. قرار گرفتن تألیف قلوب در کنار تأمین فقر در آیه ۶۰ سوره «توبه» که به مصارف زکات اختصاص دارد، حاکی از اهمیت این امر است.

مبانی سیاسی

در اندیشه اسلامی، دولت علاوه بر اینکه حافظ نظم و امنیت جامعه است، مسئولیت مهم تری به نام «برقراری عدالت اجتماعی» و مهم تر از آن، زمینه سازی برای رشد و تعالی معنوی مردم به عهده دارد (حج: ۴۱). از این رو، نهاد دولت در نظام اسلامی، صبغه الهی دارد که از آن به عنوان «حاکمیت امام عادل» تعبیر می شود. قرآن کریم در آیات متعددی، از حاکمان حق به عنوان کسانی یاد می کند که دارای امامت الهی بوده، به فرمان خدا حکومت می کنند (انبیاء: ۷۳؛ سجد: ۲۴). به همین دلیل، ملاحظه می کنیم در آیات قرآن، اموالی مانند انفال، فیه و خمس غنایم، که در حقیقت، متعلق به حکومت اسلامی است، به خدا و پیامبر و خویشاوندان ایشان نسبت داده شده است (ر.ک: انفال: ۱ و ۴۱؛ حشر: ۷). بر اساس روایات، در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام فقیهان جامع الشرایط به نیابت از ایشان، مسئولیت تشکیل حکومت را به عهده دارند (ر.ک: حرعالملی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۱۴۰؛ ر.ک: منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۲۵-۴۹۰). رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره اهمیت حضور چنین دولتی می فرمایند:

مسلمان همانند وجود عامل خودکاری در درون نظام کل، برای تحقق تکافل اجتماعی است. افزون بر این، عناصری مانند فضیلت اعتدال و میانه روی، رعایت حد کفایت در معاش، نگاه به پایین دست در سطح معیشت (النظر الی الأدنى معیشت)، کم خرج و پرخیر بودن (قلیل المؤمنة و کثیر المعونة)، قناعت و زهد، حرمت اسراف و اتلاف مال، حرمت تبذیر، حرمت اتراف و تفاخر، حرمت تقطیر، و حرمت مصرف کالاها و خدمات ممنوعه، نیز کارکردهای مثبتی در جهت تحقق اهداف تکافل اجتماعی به جا خواهند گذاشت.

برخلاف نظام سرمایه داری، که رشد مصرف جامعه را از طریق توسعه مصرف طبقه ثروتمند و استفاده از تبلیغات تحریک کننده دنبال می کند، و این امر از طریق افزایش تقاضا، عرصه را بر سیاست های اسلامی تنگ می کند. در جامعه اسلامی، مصرف جامعه به صورت متوازن و با رعایت سطح مصرف طبقات پایین رشد خواهد کرد. از این رو، در سیاست های فرهنگی و تبلیغی ناظر به رفتار مصرفی، باید بر ارزش هایی همچون زهد و قناعت در مصرف؛ نگاه کردن به پایین دست؛ انفاق از مازاد درآمد به نیازمندان؛ و پرهیز از اسراف، اتراف، تفاخر و مانند آن تأکید و دقت شود که استفاده از سیاست های تبلیغی اغواکننده و محرک مصرف گرایی عمیقاً با اهداف تکافل اجتماعی اسلامی در تضاد است (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۸، ص ۱۹-۲۲).

مبانی اجتماعی

تکافل اجتماعی از آن نظر که پدیده ای است که در ظرف اجتماع رخ می دهد، به ناچار پایه های آن در بستر جامعه استقرار خواهد یافت. از این رو، لازم است مختصات اصلی جامعه ای که قرار است الگوی تکافل اجتماعی در آن پیاده شود نیز بررسی شود. جامعه از این نظر که ظرفی برای برقراری روابط فرد با دیگران است - دست کم - دارای دو رکن اساسی است که عبارتند از: روابط و پیوندهای مجموعه افراد با یکدیگر و ارتباط میان افراد و دولت که اولی بیشتر جنبه اجتماعی و دومی جنبه سیاسی دارد.

در اندیشه اسلامی، فرد و جامعه بر اساس سلسله مراتبی از پیوندهای طولی و عرضی با یکدیگر همبستگی دارند (حجرات: ۱۰) و به جای بینش اصالت فردی و تلاش برای ایجاد وحدت تصنعی بر مبنای قرارداد، که نتیجه اش محصور ماندن رفتار فرد به محدوده منافع شخصی و رها کردن مصالح اجتماعی به دست تقدیر است،

از منظر اخلاق اسلامی، ملاک خوب و بد بودن اعمال، خشنودی خداوند است، و آنجاکه هر کاری فرد در جهت مشارکت اجتماعی انجام دهد مستوجب پاداش الهی خواهد بود، اقدامات جمع‌گرایانه و خیرخواهانه افراد با منافع فردی آنها پیوند ذاتی دارد. اخلاص، رعایت عزت نفس و برخورد حکیمانه با گدایان حرفه‌ای، مباشرت در اعطاء، رد نکردن سائل، ملاطفت با نیازمندان، تلاش برای تأمین کامل نیازهای تهی‌دستان، رعایت اولویت‌های خوشاوندی و همسایگی، رعایت عزت نفس نیازمندان و ایشار در مواقع خاص، از جمله اصول اخلاقی برای عرضه‌کنندگان وجوه تکافلی است. از سوی دیگر، نکوهش شدید حاجت‌خواهی (جز برای افراد مضطر)، پافشاری نکردن بر درخواست، پرهیز از حاجت‌خواهی از صاحبان اموال حرام و شبهه‌ناک و ناچیز نشمردن کمک دریافتی از اصول اخلاقی تقاضای این وجوه است. رعایت این اصول عرضه و تقاضای وجوه خیریه را به نقطه تعادل نزدیک خواهد ساخت.

اصول مبنایی تکافل در عرصه اقتصادی به گونه‌ای است که از یک‌سو، در ناحیه کسب درآمد، تلاش برای تولید ثروت و افزایش آن - به‌ویژه با انگیزه خیرخواهی - را می‌ستاید و از سوی دیگر، در ناحیه تخصیص درآمد، بر قناعت در مصرف و دوری از اسراف و تبذیر و اختصاص بخشی از درآمد و باقی ماندن بر حد کفاف تأکید می‌کند. التزام به این مبنای روند پویایی از کاهش مداوم فقر و رشد اقتصادی همراه با عدالت را نوید میدهد.

در عرصه مبنایی اجتماعی، اسلام احاد جامعه را اعضای یک پیکر معرفی می‌کند و روابط میان آنها را از عناصری همچون تکالیف مالی زوجین در مقابل یکدیگر، وظیفه والدین در مقابل فرزندان و وظیفه فرزندان در مقابل والدین - به‌ویژه سالمندان - وظیفه فرد در مقابل سایر افراد، مسئله ارث‌گذاری و ارث‌بری، وظیفه مجموعه افراد یک نسل در مقابل نسل‌های آینده، بهره‌مند می‌سازد که شبکه به هم پیوسته‌ای از تکافل اجتماعی را فراهم می‌سازد.

دست آخر اینکه در بعد سیاسی، حاکمیت جامعه اسلامی رنگ توحیدی و ولایی دارد که علاوه بر وظایف ذاتی خود، در قبال تهیدستان جامعه، وظایف مهمی هم در زمینه نظارت بر حسن التزام و تعهد احاد مردم به وظایف تکافلی در قبل یکدیگر به عهده دارد. التزام به این مینا، سلامت اداری و شفافیت عملکرد نهاد تکافل اجتماعی را تسهیل خواهد ساخت.

«یک ساعت حکمرانی پیشوای عدالت‌پیشه، از عبادت هفتاد سال برتر است؛ و حدی که برای خدا در زمین جاری گردد، [برکتش] از بارندگی چهل روز افزون‌تر است» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۷، ص ۱۷۵).

دولت اسلامی همان‌گونه که در اصل مشروعیت خود، برخاسته از مبانی دینی است، در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری نیز موظف است بر اساس منابع نقلی و استمداد از دانش دینی، قوانین و سیاست‌های مناسب را برای طراحی و اجرای الگوی تکافل اجتماعی مطلوب تدوین کند.

بدین منظور در آیات و روایات، منابع مالی دولت، مانند انفال، فیء، غنایم، خمس، زکات، خراج، و جزیه به تفصیل بیان شده و مفهوم «بیت‌المال» در متون اسلامی، ناظر به همین مقوله است. وظایف دولت و اصول کارهایی که باید با استفاده از منابع بیت‌المال انجام دهد امور متعددی است که زمینه‌سازی و حمایت از تکافل اجتماعی از جمله مهم‌ترین آنهاست (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۰، ص ۳۸۱-۴۴۶). در منابع اسلامی، حقوق متقابل دولت و مردم بیان شده و گشایش امور و پیشرفت کار اجتماع در گرو رعایت آنها دانسته شده است. امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه خویش در [جنگ] صفین به طور کامل به این موضوع اشاره کرده‌اند (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۲۱۶).

نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق کشف مبنایی تکافل اجتماعی از متون آیات و روایات و سیره معصومان علیهم السلام و ارائه آنها به منظور تحقق الگوی روزآمد و کارآمد نظام تکافل اجتماعی در جوامع اسلامی معاصر بود. به این منظور، پس از بررسی پیشینه و مفهوم‌شناسی موضوع، به بررسی و ارائه اصول و مبنای مزبور پرداخت که نتایج ذیل حاصل شد:

از منظر اعتقادی، تکافل اجتماعی مبتنی بر باورهای همچون اعتقاد به خداوند به عنوان آرامش‌دهنده حقیقی انسان؛ تقوا پیشگی به‌مثابه پشتوانه امنیت فردی و اجتماعی؛ تلقی فقر و غنا به عنوان سنت الهی برای امتحان انسان، رزق‌باوری؛ خدامالکی و آخرت‌طلبی به عنوان بسترساز و انگیزه‌بخش اقدامات تکافلی؛ و استمداد از وحی به عنوان روشنگر «بایدها» و «نبایدها»ی مسیر حرکت به سمت وضعیت مطلوب است. از این‌رو، سرمایه‌گذاری برای تقویت ایمان مردم به این اصول و حسن ظن آنها به تحقق وعده‌های الهی در دنیا و آخرت، عرضه منابع تکافلی را به صورت کمی و کیفی ارتقا خواهد بخشید.

منابع.....

- _____، ۱۴۱۴ق، *الخصال*، چ چهارم، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلی للمطبوعات.
- طبرسی، ابوالفضل علی، ۱۴۱۸ق، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، قم، دارالحديث.
- طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲ق، *مکارم الأخلاق*، چ چهارم، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵ق، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، چ دوم، نجف، المطبعة الحیدریه.
- طوسی، جعفر بن محمد، ۱۴۰۱ق، *تهذیب الاحکام فی شرح المقننه*، بیروت، دارالتعارف.
- قابل، احمد، ۱۳۸۳، *اسلام و تأمین اجتماعی*، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹، *اصول الکافی*، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کوفی قاضی، محمد بن سلیمان، ۱۴۱۲ق، *مناقب الامام امیرالمؤمنین (النائب الکوفی)*، تحقیق محمدباقر محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دارالفکر.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۶، *اصلاح الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث*، قم، دارالحديث.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، *مقدمه ای بر جهان بینی اسلام (انسان در قرآن)*، تهران، صدرا.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، تصحیح مؤسسه آل البيت، قم، کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، چ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- منتظری، حسینی، ۱۴۰۹ق، *دراسات فی ولایة الفقیه وفقه الدوله الإسلامیه*، قم، منشورات مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
- نادران، الیاس و دیگران، ۱۳۹۱، «الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام و دلالت‌های آن برای الگوهای نوین»، *معرفت اقتصادی*، سال سوم، ش ۲، ص ۲۸-۵.
- ناصرح علوان، عبدالله، بی تا، *التکافل الاجتماعی فی الاسلام*، بیروت، دارالسلام للطباعه و النشر و التوزیع.
- نراقی، محمد مهدی، ۱۳۷۸، *معراج السعاده*، چ ششم، قم، هجرت.
- _____، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، امیرالمؤمنین.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، ۱۴۰۴ق، *شرح نهج البلاغه*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، بی تا، *مناقب آل ابی طالب*، قم، المطبعة العلمیه.
- ابوزهره، محمد، ۱۹۹۱، *التکافل الاجتماعی فی الاسلام*، قاهره، دارالفکر العربی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- _____، ۱۳۶۶، *غرر الحکم و درر الکلم*، شرح آقاجمال الدین خوانساری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- توکلی، محمدجواد، ۱۳۹۳، «بررسی تطبیقی نظریه‌ها و مدل‌ها رفتار عام المنفعه در اقتصاد متعارف و اسلامی»، *جستارهای اقتصادی ایران*، ش ۲۲، ص ۶۷-۹۳.
- حامد مقدم، احمد، ۱۳۶۸، *پژوهشی در نظام حمایتی اسلام*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۳ق، *وسائل الشیعه*، چ پنجم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حسینی، سیدرضا، ۳۷۹، *الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف‌کننده مسلمان*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- _____، ۱۳۸۰، *تکافل اجتماعی در قرآن و حدیث*، قم، دارالحديث.
- _____، ۱۳۸۸، *الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف‌کننده مسلمان*، چ دوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____، ۱۳۹۳، *الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____، بی تا، *اتفاق در کتاب و سنت*، قم، دانشگاه قرآن و حدیث (کتاب منتشر نشده).
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۰۸ق، *اقتصادنا*، چ دوم، قم، مجمع الشهداء الصدر العلمی والتقانی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۶، *اهالی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، کتابچی.
- _____، ۱۳۸۰، *علل الشرايع*، ترجمه محمدجواد ذهنی تهرانی، قم، مؤمنین.
- _____، ۱۴۰۴ق، *من لا یحضره الفقیه*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.